



خانه‌ی تسخیر شده‌ی من

نویسنده: آنجی سیج

مترجم: فرمهر امیردوست





ماجرا وقتی شروع شد که در اتاق پنج‌شنبه‌هایم داشتم تمرین
شبح‌شدن می‌کردم. همیشه منظم و مداوم تمرین شبح‌شدن
می‌کنم، چون مطمئنم اگر شبی فکر کند من هم شبح
هستم، پیدا کردنش برایم خیلی راحت‌تر می‌شود. همیشه دم
می‌خواسته شبح پیداکنم، اما می‌دانید، با این‌که به خانه‌ی ما
می‌گویند خانه‌ی جن‌زده، هرگز حتی یک دانه شبح هم ندیده‌ام،
حتی یک شبح فنقله هم ندیده‌ام. فکر می‌کنم احتمالاً عمه‌تابی
آن‌ها را ترسانده است - من هم اگر شبح بودم از عمه‌تابی
می‌ترسیدم.

